سیاسی شدن آسیب زدن به ورزش است

خسروی‌وفا: نگاه ویژه به چند ورزشکار، انسانی نیست

سارا اصلانی

دیوارهای فدراسیون جانبازان ومعلولان چیزی کم از موزه عکس ندارد. تصویر تمام لحظه‌های ناب افتخارآفرینی ورزشکاران جانباز و معلول بر جای، جای این فدراسیون نقش بسته. از عکس‌های سیاه و سفید قدیمی گرفته تا جدیدترین و رنگی‌ترین‌شان. در این فدراسیون اما عکس‌های سیاه و سفید چنان با سلیقه انتخاب شده‌اند که بیشتر طنازی می‌کنند؛ روی‌شان که متمرکز می‌شوی، به سال‌ها قبل برمی‌گردی و خاطراتی برایت زنده می‌شوند که مدت‌ها بود در پس‌زمینه‌های ذهنت خاک می‌خورد. در بین این مجموعه ناب که به قول رئیس فدراسیون نگاه کردن به آن‌ها خستگی را از تن به در می‌کند، عکسی هست که برای خود محمود خسروی‌وفا بیش از بقیه جالب توجه است. عکسی که به مسابقاتی در یوگسلاوی سابق برمی‌گردد. خسروی‌وفا در توضیح این عکس می‌گوید: «قول می‌دهم در این عکس هیچ‌کس نصرا... سجادی(معاون‌وزیر ورزش) را نمی‌شناسد. حتی خود من هم او را در این عکس نشناختم و وقتی به او گفتم در این عکس همه هستند غیر از تو، گفت من که هستم... من اعتقاد دارم عکس‌های این‌چنینی ارزش بسیار بالایی دارند.» با این مقدمه هنری، رئیس سرد و گرم چشیده فدراسیون که البته ریاست کمیته ملی پارالمپیک را هم عهده‌دار است، وارد مباحث ورزشی می‌شود تا در گفت‌وگویی صمیمی با خراسان ورزشی هیچ سوالی را بی‌پاسخ نگذارد.

■ تعریف بودجه مستقل برای کمیته ملی پارالمپیک

باب صحبت با محمود خسروی‌وفا را از تشکیل کمیته ملی پارالمپیک باز می‌کنیم. او این اتفاق را نیاز واقعی و قانونی ورزش هر کشوری می‌داند که استارت رسمی فعالیت آن در ایران از سال ۷۶ زده شد. رئیس کمیته ملی پارالمپیک که اخیرا فعالیتی را درخصوص تصویب طرح استقلال حقوقی و مالی کمیته ملی پارالمپیک از کمیته ملی المپیک آغاز کرده و به دنبال به تصویب رساندن آن در مجلس است، در توضیح آن می‌گوید: «کمیته ملی پارالمپیک دارای اساس‌نامه‌ای است که به تصویب مجمع کمیته ملی المپیک رسیده و توسط رئیس وقت کمیته ملی المپیک، آقای هاشمی‌طبا ابلاغ شد که بر مبنای آن کار را شروع کردیم. اما بعدها متوجه شدیم مجمع این اختیار را ندارد که اساس‌نامه یک تشکیلات دیگر را تصویب کند، لذا بعد از آن‌که در این‌خصوص به مشکلاتی برخوردیم به این نتیجه رسیدیم که اساس‌نامه کمیته ملی پارالمپیک را مثل اساس‌نامه کمیته ملی المپیک به تصویب مجلسی‌ها برسانیم. بعد از طی شدن مراحل قانونی، اساس‌نامه مذکور ابتدا به کمیسیون فرهنگی و سپس به کمیسیون اجتماعی رفت و درنهایت به تصویب رسید. الان هم در نوبت مطرح شدن در صحن مجلس هستیم. اگر این اساس‌نامه در صحن مجلس هم به تصویب برسد، ردیف بودجه مستقلی برای کمیته ملی پارالمپیک تعریف خواهد شد اما در اصل اعتباری به دولت تحمیل نمی‌شود، چراکه اعتباری به نام فعالیت کمیته ملی پارالمپیک در قالب اعتبارات کمیته ملی المپیک تعریف شده و با تصویب اساس‌نامه درنهایت ردیف بودجه مستقل به اساس‌نامه ما منتقل می‌شود.»

■ بودجه کمیته ملی پارالمپیک ۱۰ میلیارد تومان است

بودجه کمیته ملی پارالمپیک در حال حاضر چقدر است؟ این سوالی است که خسروی‌وفا در پاسخ به آن چنین می‌گوید: «در حال‌حاضر حدود یک‌پنجم بودجه به کمیته ملی پارالمپیک اختصاص دارد که رقم آن ۹ میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان در سال ۹۴ بود که سالانه با توجه به رشدی که دولت برای بودجه در نظر گرفته، حدود ۱۰ میلیارد می‌شود و درواقع بودجه کمیته ملی پارالمپیک ۱۰ میلیارد تومان است.»

■ احساس می‌کنم پول به اندازه کافی هست

آیا این ۱۰ میلیارد پاسخ‌گوی حجم وسیع فعالیت‌های کمیته ملی پارالمپیک ایران هست؟ رئیس این کمیته می‌گوید: «در این چند سال اخیر همه در حال گفتن این جمله هستند که بودجه ما کم است ولی من احساس می‌کنم که پول به اندازه کافی هست. البته قبول دارم که بودجه فعلی شاید پاسخ‌گوی خیلی از فعالیت‌های ما نباشد اما یادمان نرود که اگر برنامه‌هایمان را در قالب اولویت تعریف کنیم، مشکل کمبود بودجه حل می‌شود. ما در این چند سال همیشه گفته‌ایم مشکل مالی نداریم. این به این معنا نیست که اصلا مشکل مالی نداشته باشیم و خزانه ما همیشه پر از پول است. نه. ما خودمان را با شرایط مالی کشور تطبیق می‌دهیم.»

■ ساز مخالف نمی‌زنم

سوالی که طی این سال‌ها از من می‌شد، این بود که چطور است درحالی که همه فدراسیون‌ها می‌گویند ما پول نداریم، شما می‌گویید ما پول کم نداریم. حتی برخی از دوستان من در ورزش، به من می‌گویند تو ساز مخالف می‌زنی. من هم در جوابشان گفتم خدایی ساز مخالف نیست اما این‌که یاس و ناامیدی را به مردم منتقل کنیم هم کار خوبی نیست. آخر چطور می‌شود که مشکل مالی وجود داشته باشد و موفقیت و پیشرفت هم درکنار آن وجود داشته باشد؟ پس مشکل مالی بیان می‌شود که احیانا اگر ضعفی به وجود آمد و باختی حاصل شد، گرا دهند که به خاطر آن مشکل مالی این اتفاق افتاد. لذا مشکل مالی به این مفهوم که گفته می‌شود، معنا ندارد. چون ایجاد یاس می‌کند و این مقوله با ورزش که یک فعالیت شاد و پرجنب و جوش است، هم‌خوانی ندارد. از طرفی اگر من بگویم در حوزه ورزش جانبازان و معلولان ما هیچ مشکل مالی هم نداریم و پولی که داریم همه نیازهایمان را جواب می‌دهد، یقینا صادقانه حرف نزده‌ام. اما در پاسخ به این‌که آیا مشکلات مالی برایمان مشکل‌ساز شده، باید بگویم تا به امروز مشکلی نداشته‌ایم.

■ کمک مالی دولت باید یک سال قبل از المپیک و پارالمپیک صورت گیرد

در سال‌هایی که با رویدادهای ویژه ورزشی مواجه هستیم(مثل مسابقات پارالمپیک)، اتفاقا شرایط مالی‌مان خیلی خوب است؛ هم برای ما و هم برای کمیته ملی المپیک. چرا؟ چون در این سال‌ها دولت به لحاظ مالی توجه بیشتری به ورزش دارد. اما در این بین یک نقص فنی هم وجود دارد. به نظر من این کمک مالی یکی، ۲ سال قبل از شروع المپیک و پارالمپیک باید انجام شود. چون در نتیجه‌گیری بسیار موثر است. بد نیست بدانید که در زمان برگزاری المپیک و پارالمپیک، هزینه‌های عمده این سفر توسط کشور برگزار کننده پرداخت می‌شود. پول هواپیما، اسکان و تغذیه توسط برگزار کننده پرداخت می‌شود. لذا ما فقط باید برای تدارکات سفر و اردو هزینه کنیم. بنابراین ما در سال المپیک و پارالمپیک شرایط مالی بهتری داریم، این در جایی است که سال قبلش ورزش کشور نیاز به پول بیشتری داشته. شما شک نکنید که سال آینده اعتبارات خوبی توسط دولت به ورزش کشور تخصیص داده می‌شود. کاری که ما در این بین انجام می‌دهیم، این است که مدیریت کرده و بخش اضافه این پول را برای بازی‌های سال‌های آینده ذخیره می‌کنیم. به همین خاطر است که می‌گویم سال آینده که سال برگزاری پارالمپیک است، کمیته ملی پارالمپیک اصلا مشکل مالی ندارد.

■ آموزش مدیران ما درست نیست

صحبت‌های خسروی‌وفا به این بخش که می‌رسد، به او می‌گوییم بدون‌شک باید موفقیت‌های کنونی فدراسیون جانبازان و معلولان و کمیته ملی پارالمپیک را مرهون هوش مدیریتی شما در ۲ بخش منابع مالی و نیروی انسانی بدانیم. این جمله را که می‌گوییم، خسروی‌وفا دست به کار جالبی می‌زند. خم می‌شود و به تخته می‌کوبد تا چشم نخورد. بعد با خنده می‌گوید: «ول به تخته بزنم بعد جواب بدهم.» سپس می‌گوید: «این‌طورها هم نیست. بالاخره این‌ها ابتدایی‌ترین کارهایی است که یک مدیر می‌تواند انجام دهد. مثل این می‌ماند که یک نفر از روی خط‌کشی رد شود و بگوییم چه انسان باهوشی است.» وقتی به او می‌گوییم اما در حال حاضر هستند مدیرانی که همین الفبای ابتدایی مدیریت را هم نمی‌دانند، خسروی‌وفا می‌گوید: «یقینا من اجازه ندارم درخصوص این دسته از مدیران صحبت کنم ولی فکر می‌کنم در این خصوص آموزش‌های درستی ارائه نشده است.»

■ دوام آوردن در مدیریت ورزش کار سختی نیست

از خسروی‌وفا می‌پرسیم چند سال سابقه مدیریت در راس کمیته ملی پارالمپیک را دارید؟ که می‌گوید: «۳۰ سال را پشت‌سر گذاشته‌ام. ۳۰ سال مستمر نبود اما جمع فعالیت‌هایم در این سمت به ۳۰ سال می‌رسد. البته فعالیت‌های ورزشی‌ام یقینا از ۳۰ سال بیشتر است چون در بخش‌های مختلف ورزش فعالیت کرده‌ام. اما خاص حضورم در مدیریت ورزش بیش از ۳ دهه است.» بیش از ۳ دهه دوام آوردن در مدیریت ورزش کار سختی نیست؟ خسروی وفا که این طور فکر نمی‌کند: «اصلا. چرا ما کارها را در کشور سخت می‌کنیم. کارها این قدر سخت نیست که ما آن را سخت می‌کنیم.»

■ بارها را از دوش مردم برداشتیم، به دوش دولت گذاشتیم

برای روشن شدن مطلب، رئیس کمیته ملی پارالمپیک یک مثال می‌آورد: «ما یک رویداد ورزشی در کشور برگزار می‌کنیم. خارجی‌ها هم همین کار را می‌کنند. آن‌ها با یک ذوق و شوق خاصی این رویداد را برگزار می‌کنند و پول هم بابت آن نمی‌گیرند. آن‌ها از فرهنگی به نام فرهنگ داوطلب برای برگزاری این مسابقات استفاده می‌کنند. ما یک فرهنگ داوطلب در زمان انقلاب داشتیم که به دفاع مقدس انتقال پیدا کرد و افراد داوطلبانه به جنگ رفتند. آن‌ها که چیزی از دولت نمی‌خواستند، بلکه یک چیز هم باید می‌دادند. به‌عنوان مثال مادر آن رزمنده دست‌کش و لباس بافتنی می‌داد. همسرش گوشواره‌اش را می‌داد. خودش هم جانش را می‌داد. خب در زمینه فرهنگ داوطلب ما جلوتر هستیم یا والنتیرهای خارج از کشور؟ اما ما آمدیم بارها را از دوش مردم برداشتیم و آن را روی دوش دولت گذاشتیم. به همین سادگی. من اصلا حرف سیاسی نمی‌زنم.حالا در این بین خارجی‌ها می‌آیند و یک رویداد بزرگ را برگزار می‌کنند مثل المپیک که چیزی حدود ۱۰۰هزار نفر والنتیر در آن شرکت می‌کنند. با تک‌تک این افراد که صحبت کنید، می‌بینید از افراد شاخص کشورشان هستند؛ اعم از دانشجویان دارای رتبه‌های بالا، مدیر رده بالا و... حدود ۲ میلیون نفر به عنوان والنتیر ثبت‌نام کرده و تلاش می‌کنند به عنوان والنتیر انتخاب شوند که فقط ۱۰۰ هزار نفر آن‌ها را کمیته برگزارکننده انتخاب می‌کند. مگر کمیته برگزارکننده چه چیزی به این افراد می‌دهد؟ به جز جای خواب، یک وعده غذا و یک گرم‌کن، چیز دیگری عاید این افراد نمی‌شود. اما این افراد برای این که المپیک را برگزار کنند حتی پول بلیت هواپیمایشان تا کشور برگزار کننده را هم خودشان پرداخت می‌کنند ولی به حضورشان در این رویداد به عنوان والنتیر افتخار می‌کنند. اما اگر ما قرار باشد یک مسابقه در کشورمان برگزار کنیم، چه می‌کنیم؟ اول می‌خواهیم یک دست کت و شلوار بخریم با پول دولت، دسته گل بخریم با پول دولت، شیرینی بخریم با پول دولت، تی‌شرت و هدایا و فرش و هنرهای دستی را هم می‌خواهیم با پول دولت بخریم. نام تمام کسانی را هم که می‌خواهیم برای کار کردن بیاوریم، در اشل پرداخت حق‌الزحمه قرار می‌دهیم. لذا ما آن فرهنگ داوطلبی بسیج‌وار را برداشته‌ایم و به یک‌سری آدم طلب‌کار تبدیل کرده‌ایم. افرادی که این کار را افتخار نمی‌دانند و فکر می‌کنند دارند بابت آن منت سر کمیته ملی المپیک کشور می‌گذارند. من یا باید افتخار کنم که دارم برای جایی کار می‌کنم یا این‌که بابت این کار منت بگذارم. لذا بر این مبنا من فکر می‌کنم درمجموع کار کردن در ورزش کشور کار سختی نیست.»

> **سیاسی شدن آسیب زدن به ورزش است. هر موقع ورزشی ها وارد عرصه سیاست شدند یقین داشته باشید مسیر خوبی انتخاب نکرده اند. فضای سیاسی، فضایی است که برای سیاستمدار ساخته شده چون سیاستمدار شنا کردن بلد است اما ورزشکار نه.**

■ هیچ‌وقت اصرار بر ماندن نداشتم

تاکید خسروی‌وفا بر این‌که کار کردن در مدیریت ورزش کشور کار سختی نیست، باعث می‌شود تا از او بپرسیم پس با این حساب باید بازهم منتظر کاندیدا شدن شما برای احراز پست ریاست کمیته ملی پارالمپیک باشیم. او در پاسخ می‌گوید: «برای پاسخ دادن به این سوال خیلی زود است. چون هنوز ۲ سال تا زمان برگزاری انتخابات مانده. اما این را بگویم هر زمان که خواستم کاندیدا شوم ابتدا از مسئولان بالا دستم در سازمان تربیت‌بدنی وقت و وزارت ورزش اجازه گرفته‌ام. راستش را بخواهید چندین بار هم انصراف دادم و فرم نام‌نویسی نگرفتم اما مسئولان سازمان تربیت‌بدنی وقت تماس گرفتند و گفتند نام‌نویسی کن، من هم به توصیه آن‌ها این کار را انجام دادم. یعنی هیچ‌وقت اصرار بر ماندن نداشتم. اما این را بگویم هرزمان که در ورزش جانبازان و معلولان نباشم، یقینا به این رشته کمک خواهم کرد. به عنوان یک عنصر معمولی در یک انجمن می‌مانم و کمک می‌کنم و به این کار افتخار هم می‌کنم. اما این‌که در ریاست باقی بمانم، باید در ابتدا به توان خودم نگاه کنم و دیگر این‌که باید نگاه کنم مافوق من اصلا علاقه‌ای دارد که با من کار کند یا نه. اگر علاقه‌ای به ماندن من نباشد، نباید بمانم و باید جایم را به شخص دیگری واگذار کنم.»

■ مسیر درستی طی کرده‌ام که وارد سیاست نشدم

به کرات دیده شده افرادی که در ورزش فعالیت می‌کنند -چه به عنوان ورزشکار و چه به عنوان رئیس یا پست‌های دیگر- بعد از مدتی وارد عرصه سیاست می‌شوند. اما محمود خسروی‌وفا به شدت از سیاسی شدن فاصله می‌گیرد. همیشه هم تاکید دارد، نه سیاسی است نه قصد ورود به سیاست را دارد. علت چیست؟ خودش می‌گوید: «موضوع خیلی ساده است. زمانی که روی پیشانی آدم مهر سیاسی می‌خورد، به‌طور طبیعی یک روز موافق یک جناح سیاسی محسوب می‌شوی و روز دیگر مخالفش. زمانی که مخالف یک جناح سیاسی محسوب شوی، ناخودآگاه یک‌سری واکنش‌هایی اتفاق می‌افتد که تاثیر این واکنش‌ها روی من سیاسی منعکس نمی‌شود، بلکه روی ورزش تاثیر می‌گذارد. در نتیجه در این بین چه چیزی آسیب می‌بیند؟ ورزش جانبازان و معلولان. لذا سیاسی شدن آسیب زدن به ورزش است. به عقیده من وقتی یک فرد ورزشی، چه ورزشکار و چه مدیر اگر وارد فضای سیاسی شود به ورزش آسیب زده است. در زمان انتخابات دولت نهم یا دهم به برخی آقایان توصیه کردم فدراسیون‌ها و ورزشکاران ملی را وارد عرصه انتخابات نکنید. از حضورشان برای گرم کردن فضای انتخابات استفاده کنید، اما از این حضور برای حمایت از این جناح و آن جناح استفاده نکنید. تویی که قهرمان ملی هستی، اسمت روی خودت هست؛ یعنی متعلق به مردم. پس چطور به خودت اجازه می‌دهی که از یک فرد خاص حمایت کنی. چرا سطح و وزن خودت را پایین می‌آوری؟ تو وزنت بالاتر از این‌هاست، پس اجازه نده که از تو سوءاستفاده کنند. لذا من اگر وارد عرصه سیاسی نشدم، مسیر درستی را طی کرده‌ام. همه باید یک مسیر درست را طی کنند. نه ورزشکار، نه مدیر و نه مربی نباید وارد عرصه سیاسی شوند. هر موقع هم که ورزشی‌ها وارد عرصه سیاسی شدند یقین داشته باشید که مسیر خوبی را انتخاب نکرده‌اند. در دنیا هم اگر نگاه کنید می‌بینید ورزشکاران وارد امور خیریه و فرهنگی می‌شوند، نه مسائل سیاسی.

■ سیاست‌مدار شنا کردن بلد است، ورزشکار نه

عموم ورزشکاران بزرگ دنیا در امور خیریه و فرهنگی فعالیت دارند و کسی وارد فضای سیاسی نمی‌شود. فضای سیاسی، فضایی است که برای سیاست‌مدار ساخته شده چون سیاست‌مدار بلد است خودش را چطور در این فضای سیاسی حفظ کند و بالا و پایین برود. لذا شما هیچ‌وقت نه غصه افرادی را بخورید که پایین هستند و نه غبطه کسانی که بالا هستند. چون این فراز ونشیب در فضای سیاسی همیشه وجود داشته و همه آن‌ها هم شنا کردن بلد هستند. آن کسی هم که پایین است، خوب برنامه‌ریزی می‌کند تا روی موج‌های بالا قرار بگیرد، اما ورزشکار نه. به عقیده من یک ورزشکار، چه برنده و چه بازنده، یک ورزشکار است. یک ورزشکار بازنده هم ارزشمند است. ولی ما این افتخار را کوچک می‌کنیم و فقط به آن چند مدالی که در المپیک به دست می‌آید، می‌پردازیم. لذا تجزیه و تحلیل‌مان از حضور کاروان ورزشی در المپیک بر وزن مدال است، نه بر وزن ورزش. این درحالی است که وزن ورزش، چیز کمی نیست.

■ روند حرکتی پارالمپیک ایران همواره رو به رشد بوده

خسروی‌وفا وزن ورزش را بالاتر از وزن مدال می‌داند. اما در ارزیابی عملکرد کاروان پارالمپیک ایران از بعد از انقلاب به این نتیجه می‌رسیم که پارالمپیکی‌ها در هر دوره از پارالمپیک نسبت به دوره قبل دچار افت عملکرد شده‌اند. این ادعای ما واکنش رئیس کمیته ملی پارالمپیک را به دنبال دارد تا بگوید: «برای اولین بار در زندگی‌ام از یک رسانه شنیدم که مدعی شده عملکرد کاروان پارالمپیک ایران با افت مواجه بوده. ما برای اولین بار در پارالمپیک لندن بعد از ۳۰ سال در رتبه یازدهم قرار گرفتیم! شما چطور مدعی هستید که ما دچار افت شده‌ایم. اجازه بدهید اول در این باره با هم دعوا کنیم تا بعد(به شوخی می‌گوید). من عکس نظر شما را دارم. البته این را من نمی‌گویم، بلکه آمارهای موجود نشان دهنده این ادعا هستند.» از خسروی‌وفا می‌خواهیم کاروان پارالمپیکی ایران را از نظر تعداد حضور ورزشکاران در چند دوره از پارالمپیک ارزیابی کند که در جواب می‌گوید: «ما در پارالمپیک لندن بین ۱۶۱ کشور یازدهم شدیم. قبل از آن در پارالمپیک پکن بیست و دوم شدیم. جمعیت ورزشکاران‌مان در لندن بیشتر از پکن بود. در پارالمپیک ریو هم با این‌که فوتبال و گلبال‌مان سهمیه نگرفت، همین الان تعداد سهمیه‌هایمان از پارالمپیک لندن بیشتر است و تعداد رشته‌هایی که قرار است در ریو مسابقه دهیم هم از لندن بیشتر است. درخصوص مدال هم که زود است قضاوت کنیم.» به رئیس کمیته ملی پارالمپیک تاکید می‌کنیم منظورمان از افت عملکرد کاروان ایران ۲ دوره اخیر نیست، بلکه روند طی شده از بدو انقلاب است. او در پاسخ می‌گوید: «همه‌اش پیشرفت بوده. اما یک نکته را نباید فراموش کنیم و آن این‌که ما فکر نمی‌کردیم قوانین در دنیا آن‌قدر تغییر کند که معلولان بتوانند در المپیک شرکت کنند. این را قبول داریم که مدال گرفتن در ۲۵ سال قبل، چه در المپیک و چه در پارالمپیک راحت‌تر از امروز بود. مثلا در دوومیدانی معلولان ۸۰ کلاس تعیین شده بود لذا ۸۰ شانس مدال وجود داشت. اما با ادغام بعضی کلاس‌ها شانس این ۸۰ مدال به ۶۰ مدال کاهش یافت. بعضی کلاس‌ها حذف شد و مثلا شد ۴۰ کلاس و ۴۰ مدال. در حال حاضر ۲ ورزشکار ما که می‌توانستند در ۲ کلاس در دوومیدانی مدال طلا بگیرند، به دلیل ادغام کلاس‌هایشان شانس کسب یکی از مدال‌های طلا را از دست داده‌اند و ما ناچاریم که به یک طلا و یک نقره یا یک نقره و یک برنز بسنده کنیم. درحالی که اگر این افراد در ۲ کلاس حضور داشتند، شانس‌شان بیشتر بود. لذا ادغام و حذف کلاس‌ها دیگر دست من نیست. اگر در این‌جا به من بگویید که تعداد مدال‌ها کم شده، حرف شما را قبول دارم اما درمجموع کارمان نه. چون فقط ارزیابی آماری ما نشان‌دهنده رشد عملکردمان نیست. بلکه ارزیابی IPC(کمیته بین‌المللی پارالمپیک) هم از عملکرد NPCها(کمیته ملی المپیک کشورها) این بود که IPC، ما را در زمره NPC های موفق ارزیابی می‌کند. فیلیپ کریون، رئیس کمیته بین‌المللی پارالمپیک در مصاحبه رسمی‌اش در روز پارالمپیک منتشر می‌کند، همه ساله ایران را در زمره برترین‌ها معرفی می‌کند. لذا مبنای ارزیابی شما هم باید گزارشات برترین مقام ورزشی دنیا باشد.»

■ پرچم‌دار کاروان را از بین جانبازان انتخاب می‌کنیم

سوال بعدی ما از خسروی‌وفا به انتخاب پرچم‌دار کاروان پارالمپیکی ایران در ریو اختصاص دارد. با توجه به این‌که زهرا نعمتی به عنوان پرچم‌دار کاروان المپیکی ایران انتخاب شده، آیا برای کاروان پارالمپیکی کشور در ریو فکری شده یا خیر. خسروی‌وفا می‌گوید: «خداراشکر که زهرا نعمتی به عنوان پرچم‌دار کاروان المپیکی ایران انتخاب شده. اما باید بگویم ما برای انتخاب پرچم‌دار کاروان پارالمپیکی یک چارچوب را همواره در نظر داشته‌ایم. همیشه کمیته‌ای در این خصوص تشکیل می‌شود و از ورزشکاران حاضر در کاروان یک نفر را بر مبنای چارچوب‌هایمان انتخاب می‌کنیم. یکی از معیارهای اصلی انتخاب پرچم‌دار کاروان ما، جانباز بودن ورزشکار است. بعید می‌دانم ظرف ۳۰ سال گذشته پرچم‌داری برای کاروان پارالمپیکی انتخاب شده باشد که آن فرد جانباز نباشد. چرا؟ چون در همه جای دنیا به مقام سربازان گمنام و افرادی که برای دفاع از کشورشان مبارزه کرده‌اند، ارج می‌گذارند. یک تعداد از این سربازان گمنام زنده هستند و به آن‌ها جانباز می‌گویند. حال می‌گویید ما باید اجازه بدهیم که این افراد به دست فراموشی سپرده شوند؟ نخیر. باید نگاه‌مان به ارزش‌ها باشد. لذا تا امروز سعی کرده‌ایم یک جانباز پرچم‌دار کاروان‌مان باشد. البته از افراد دیگر هم برای پرچم‌داری کاروان ایران استفاده کرده‌ایم، اما به عنوان پرچم‌دار دوم. چون همه کاروان‌ها یک پرچم‌دار در روز اول مسابقات دارند و یک پرچم‌دار در روز آخر مسابقات. ما برای روز آخر، پرچم‌دار کاروان را از بین افراد معلول انتخاب کرده‌ایم. این تفکیک بین بنده‌های خدا نیست، بلکه موضوع توجه به ارزش‌های یک کشور است. بنابراین برای این‌که موضوع ایثار و ایثارگری و گذشت فراموش نشود تا به امروز سعی کرده‌ایم پرچم‌دار اول کاروان از بین ورزشکارانی انتخاب شوند که در دفاع مقدس نقش داشته‌اند.»

> **هیچ وقت با این دید به ورزش نگاه نکردم که به دنبال افراد شاخص باشم. اگر قرار باشد به چند ورزشکار نگاه شاخص شود من این نگاه را نمی توانم تحمل کنم و کنار می روم. ملی بودن کم سکویی نیست. ورزشکاری که به ملی بودنش افتخار نکند کاسب است.**

■ فروردین یا اردیبهشت نام پرچم‌دار اعلام می‌شود

اگر روزگاری دیگر فردی با این مشخصات وجود نداشت، پرچم‌دار کاروان پارالمپیک از بین چه کسانی انتخاب می‌شود؟خسروی‌وفا می‌گوید: «آن‌وقت سراغ ورزشکاری می‌رویم که وقتی دست روی او گذاشتیم برای پرچم‌داری، بقیه ورزشکاران قبول کنند که وزن این ورزشکار از نظر فنی و رفتاری از بقیه بالاتر است. در پکن ما آقای میرزایی را به عنوان پرچم‌دار انتخاب کردیم و او در آن‌جا چهارمین طلای پارالمپیکش را کسب کرد. در لندن آقای جوکار پرچم‌دار بود که با بدشانسی به نقره رسید. او وقتی نقره گرفت زارزار گریه می‌کرد و می‌گفت من به عنوان پرچم‌دار کاروان با چه رویی به ایران برگردم چون نتوانسته‌ام وظیفه‌ام را به درستی انجام بدهم. آیا او انتخاب بدی بود؟ همه هم او را به عنوان یک فرد خنده‌رو می‌شناسند و یک بار هم به عنوان مدل اخلاق ورزش کشور انتخاب شده است. یعنی اخلاق و مدال‌آوری هم جزو ملاک‌های انتخاب پرچم‌دار کاروان است. پس با جمع‌بندی این ملاک‌ها، یک نفر را به عنوان پرچم‌دار کاروان ایران انتخاب می‌کنیم.» اما این‌که کمیته ملی پارالمپیک برای انتخاب پرچم‌دار ایران در ریو چه زمان به جمع‌بندی می‌رسد، سوالی است که خسروی‌وفا در پاسخ به آن می‌گوید: «فکر می‌کنم فروردین یا اردیبهشت سال ۹۵ نام پرچم‌دار کاروان پارالمپیک اعلام شود.»

■ برنامه خاصی برای نعمتی و رحمان نداریم

کاروان پارالمپیک ایران در ریو ۲ ورزشکار شاخص به همراه دارد. یکی زهرا نعمتی که با کسب ۲ سهمیه المپیک و پارالمپیک خوش درخشیده و نگاه جهانیان را به خود معطوف کرده. دیگری هم کسی نیست جز قوی‌ترین مرد معلول جهان یعنی سیامند رحمان که ۲ هدف را در ریو دنبال می‌کند؛ ثبت رکورد ۳۰۰ کیلوگرم دنیا به نام خودش و درج نامش در کتاب گینس. اما رئیس کمیته ملی پارالمپیک در پاسخ به این‌که آیا برنامه ویژه‌ای برای نعمتی و رحمان برای حضور در ریو دارد یا خیر، می‌گوید: «راستش را بگویم نه. این افراد خود را بچه‌های تشکیلات و خانواده پارالمپیک می‌دانند و این باعث افتخار ماست که آن‌ها احساس تعلق به پارالمپیک دارند، اما ما برنامه خاصی برای آن‌ها نداریم. آن ورزشکاری که در رشته بوچیا فعالیت می‌کند و برای پرتاب کردن یک توپ مدت‌ها تمرکز می‌کند اما مغزش کند دستور می‌دهد و مدت‌ها طول می‌کشد که فقط توپ را رها کند، اما مدال به دست نمی‌آورد، شما فکر می‌کنید کمتر از قهرمانان بزرگ دنیاست؟ نخیر. او قهرمان است. واقعا یک قهرمان بزرگ است. شما باید از نزدیک این ورزشکاران را ببینید. تلاش او را با ورزشکاران بزرگ دنیا-نه پارالمپیکی- در یک کفه ترازو کنار هم بگذارید. آن وقت است که پشتکار و تلاش این ورزشکاران باید برایتان درس عبرت شود. خب من چطور بیایم برای افراد خاص برنامه خاص بگذارم. من که دنبال آدم‌های ویژه نمی‌گردم. من با این فرهنگ کار می‌کنم که می‌گویم حضور در پارالمپیک افتخار است. پس من چطور بیایم و ۲ نفر را شاخص قرار دهم؟ وظیفه من این نیست.»

■ دنبال گلادیاتور و هرکول نیستیم

از نظر من همه معلولانی که ورزش می‌کنند، حرکت می‌کنند و با اراده و اعتماد به‌نفس هستند و علی‌رغم شرایط سخت خانوادگی‌شان از خانه بیرون می‌آیند، افراد ویژه‌ای هستند. حتی اگر ورزش هم نکنند. من هیچ‌وقت با این دید به ورزش نگاه نکرده‌ام که به دنبال افراد شاخص باشم. اگر قرار باشد روزی بیاید که به چند ورزشکار نگاه خاص شود، من این نگاه را نمی‌توانم تحمل کنم و خودم کنار می‌روم. البته این طرز نگاه من دلیل بر کوچک کردن آن ۲ نفر خاص نیست. بلکه ما یک مجموعه را نگاه می‌کنیم. من خوشحال می‌شوم که این افراد می‌گویند خودمان را جزو خانواده پارالمپیک می‌دانیم. اما این دلیل بر این نیست که اگر این افراد کار خارق‌العاده‌ای انجام دادند به آن‌ها پاداش ندهیم. از ابتدا نمی‌گوییم که ما دنبال گلادیاتور یا هرکول می‌گردیم. این فرهنگ انسانی نیست.

■ ثبت رکورد در ریو پاداش ویژه دارد

خسروی‌وفا اما تاکید دارد در صورت ثبت رکورد در ریو به ورزشکارانش پاداش ویژه می‌دهد: «دنبال این هستیم که اگر کسی رکوردی در ریو به ثبت رساند، جایزه خیلی خوبی بدهیم. برای این کار طرحی آماده کرده‌ایم و منتظر تصویب وزارت ورزش هستیم و به محض تصویب شدن جوایز را اعلام می‌کنیم. ضمن این‌که آیا می‌دانید در نظر گرفتن جوایز زیاد و عدم مدیریت در این زمینه گاهی اوقات تاثیر منفی به‌دنبال دارد؟ می‌دانید یکی از سمومی که بعد از تعیین جوایز وارد ورزش شد، استفاده از مکمل‌های غیرمجاز است؟ می‌دانید که این مسئله حاشیه‌های زیادی را به دنبال داشت؟»

■ ورزشکاری که به ملی بودنش افتخار نکند کاسب است

او ملی بودن یک ورزشکار را سکوی بلندی توصیف می‌کند و ادامه می‌دهد: «ورزشکار ملی بودن مگر خودش کم سکویی است؟ البته با گفتن این حرف‌ها قصد فرار از پرداخت حقوق و جوایز را ندارم اما می‌گویم این ۲ را(ملی بودن ورزشکار و مقوله جوایز) درکنار هم در یک وزنه قرار ندهیم. ورزشکاری که به ملی بودن خودش افتخار نمی‌کند، مدالش هم برای خودش. چون ورزشکاری که به ملی بودنش افتخار نمی‌کند، کاسب است نه ورزشکار. از طرفی جامعه ورزشی موظف به حمایت از ورزشکار ملی است. موظف است پاداش بدهد و ورزشکارش را تامین کند. پس این ۲ مقوله را کنار هم در یک‌جا قرار ندهیم. قرار دادن این ۲ مقوله در یک جا باعث شده همه برای یکدیگر بزنند. شما نگاه کنید و ببینید قوانین خارج از کشور چقدر برخورد قاطعانه‌ای با ورزشکاران خاطی دارد. خیلی از کارهایی که ورزشکاران ما در کشورمان انجام می‌دهند، ورزشکاران بزرگ دنیا انجام نمی‌دهند. چرا؟ آن‌ها که مشهورترند و پول بیشتری هم می‌گیرند. پس چرا؟ چون جایگاه‌ها را خوب تعریف کرده‌اند. لذا همین تعریف خوب از جایگاه باعث شده ورزشکار برای قوانین و اخلاق اهمیت قائل شود. لذا باید یک ورزشکار ملی به این بلوغ فکری برسد که این لباس(لباس تیم ملی)، لباس ارزشمندی است و من از فردا باید رفتارم با خانواده‌ام، هم محلی‌هایم، محیط اداری و افراد جامعه‌ام فرق کند. من مدیر(که البته من جزو مدیران جزو هستم) هم موظف هستم آینده کسانی که دارند با من کار می‌کنند را تا جایی‌که در توانم هست، تامین کنم.»

■ برای ورزشکاران بزرگ باید محیط آرام فراهم کرد

خسروی‌وفا قصد ندارد بین ورزشکارانش تفاوتی قائل شود، اما فراهم کردن محیط آرام برای یک ورزشکار را مهم‌تر از تامین مسائل فنی و مالی می‌داند: «برای ورزشکاران بزرگ اول از همه باید یک محیط آرام فراهم کنیم و بعد به دنبال تامین مسائل فنی و مالی‌شان باشیم. اگر شما به مسائل مالی و فنی یک نفر خوب رسیدگی کنی اما جای خوابش خوب نباشد و نیازهای روانی‌اش را در نظر نگیری، یقینا نمی‌تواند نتیجه بگیرد. عکس این قضیه هم صادق است. ما ورزشکاری داشتیم به نام عنایتا... بخارایی. او در پارالمپیک سیدنی با بدترین شرایط جسمانی و کهنه‌ترین سلاح روی کره زمین تیراندازی کرد و به مدال طلا رسید. بین ۱۰۰ورزشکار،۱۰ورزشکار ۶۰۰ زدند. یعنی هیچ نقصی نداشتند. بخارایی جزو این ۱۰ نفر بود. در فینال با کهنه‌ترین سلاح بین آن ۱۰ نفر اول شد. حالا شما مسائل فنی را در طلایی شدن ورزشکاران بیشتر دخیل می‌دانید یا مسائل روانی را؟ البته این را اصلاح کنم که ما بهترین سلاح‌ها را خریدیم و دراختیار تیم تیراندازی ایران قرار دادیم. سلاح‌هایی که تازه به بازار آمده بود و با کپسول گاز کار می‌کرد. اما بخارایی گفت من می‌خواهم با همان سلاح‌های قدیمی گلنگدنی کار کنم. این از نظر فنی خنده‌دار بود. وقتی موضوع را با من مطرح کردند، من گفتم نظر ورزشکار مهم است. اگر او با آن سلاح قدیمی راحت است، اجازه دهید با همان مسابقه دهد که با همان سلاح هم برد. پس وقتی می‌گویم آدم‌های بزرگ را باید دید، درخ